

ادامه از صفحه اول

برجام وموقعیت کنونی

شکل‌گیری دولت یازدهم نقطه عطفی در این ارتباط بود. دولت رسماً مسئولیت مذاکرات را بر عهده گرفت، موضوع از حالت پنهانی به حالت آشکار درآمد و سایر قدرت‌های دیگر در حد اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل به این مذاکرات هدفمند و رسمی پیوستند. اینکه پس از مدت‌ها دولت به جایگاه قانونی و رسمی خود بازگشته بود، علامت مهمی بود که به دنیا داده می‌شد. ملت هم حس دولت‌داشتن می‌کردند. همه اینها امید و انتظارهای مثبتی را در جامعه موجب شد. البته، برجام از همان آغاز هم در آمریکا و هم در ایران مخالفانی جدی داشت. دستگاه اوباما با اهدافی که داشت و حتماً با اهداف ایران یکی نبود، در موفقیت تمام‌برجام تلاش خود را به‌کار بست. او در برابر مخالفان خود مقاومت کرد، کنگره را دور زد و با متحان منطقه‌ای خود مانند اسرائیل و عربستان اختلاف کرد و از این توافق دفاع کرد. در ایران نیز، این توافق از همان آغاز مخالفان جدی داشت و با شک و تردیدهایی فراوان همراه بود. ولی، با عزم جزم دولت، اتخاذ برخی تدبیرهای اجرائی و برخی هماهنگی‌هایی که در سطح سه قوه و شورای امنیت ملی صورت گرفت، کار به نتیجه رسید. ولی در این میان، پخش تصویر قدم‌زدن طریف و کروی و صحبت تلفنی کوتاه آقای روحانی و اوباما بر این شک و تردیده‌ها افزود. مخالفان با مستمسک‌قرار دادن این دو نشانه فضای سنگینی را از همان آغاز علیه این توافق شکل دادند و تلاش کردند از همان آغاز ماشین برجام را متوقف کنند. به‌هرروی، برجام مخاطره امنیتی زیر فصل هفت منشور سازمان ملل بودن را از سر ملت ایران کوتاه کرد. از این روی، یک اقدام تاریخی کم‌ظیر محسوب می‌شود، اما به‌روری از فرصت‌هایی که برجام ایجاد کرد افزون بر رویاروشدن با لجبازی‌های سیاسی در ایران و آمریکا، به سبب سستی و بی‌برنامگی دولت نیز کم‌اثر شد. در داخل، فضاسازی‌های سنگین علیه برجام به مدد شبکه رسانه‌ای قوی، توش و توان دولت را به‌شدت مستهلک کرد؛ به نحوی‌که بخش اعظم توان دولت به‌جای خلق فرصت برای توسعه‌مصرف پاسخ‌گویی‌های مکرر به این تردیده‌ها شد.فرصت‌هایی پس از دیگری از دولت سلب شد و دولت هم در زمین مخالفان بازی کرد؛ تاجایی‌که در وضعیت فعلی کاملاً زمین‌گیر شده است.به‌قدرت‌رسیدن ترامپ یک به‌دانشانی عظیم برای تمام بشریت محسوب می‌شود. در‌هرصورت فردی به تمام معنا ناهنجار زمام امور بزرگ‌ترین قدرت مادی جهان را برعهده گرفت و در لجبازی با همتای پیشین خود در اولین فرصت از تأیید یابندنی ایران سر باز زد و سپس در گام بعدی از برجام خارج شد. به‌این‌ترتیب او این توافقی مهم و فراتر از امنیت منطقه را با مخاطره جدی مواجه کرد. هرچند موضع سیاسی اتحادیه اروپا و دیگر ارکان امضاکنده برجام به نفع برجام بود؛ ولی آشکارا در زوَر زمانی با غول نظامی و مالی جهان کم آوردند. البته این از ابتدا هم قابل پیش‌بینی بود. البته ایران به‌حق تاکنون خواسته‌هایی را مطرح کرده و پیگیر حقوق خود در صحنه بین‌المللی بوده است؛ اما از منظر راهبردی همواره باید به محدودیت‌های واقعی توجه کرد و به این نکته توجه داشت که سوق‌دادن دیگر طرف‌ها به اردوگاه آمریکا حسنی ندارد. به‌تازگی اقدام موبدایی انگلیس و خوش‌رضعی حزب محافظه‌کار برای ترامپ با توقیف غیرقانونی کشتی حامل نفت ایران صحنه را پیچیده‌تر کرده است. در چنین موقعیتی، راهبرد دفاعی ایران مبتنی بر اقدام قاطع و قانونی در برابر تجاوز به مرزها و حقوق ایران و با حفظ هوشیاری در برابر اقدام‌های تحریک‌آمیز اسرائیل در سطح افکار عمومی ایران و جهان قابل پشتیبانی است. از رزبانی صحنه پس از برجام نباید از ضعف‌های دولت چشم‌پوشی کرد. واقعیت آن است که اثر برجام در صحنه توسعه اقتصادی در حد رفع مانع امنیتی بود. این رفع مانع باید با دو رفع مانع دیگر تکمیل می‌شد؛ یکی رفع مانع مبادله‌های مالی بین‌المللی ایران و ایجاد روانی در آن بود که در قالب هماهنگی و توافق برای توصیه‌های اف‌ای‌تی‌اف تحقق‌پذیر بود و دیگری پرداخت بدهی‌های معوق ایران به آژانس‌های بیمه اعتبارات صادراتی کشورها مانند کوفاس، ساجه، هرمس واز این‌دست که سرجمع کمتر از دو میلیارد یورو بود. موضوع نخستین، اولین شرط همکاری بانک‌های جهان با بانک‌های ایرانی بود و بدون آن در عمل امکان مبادله روان و اخذ اعتبار بین‌المللی وجود نداشت و ندارد. این مسئله، تا امروز نیز در کش‌وقوس جدل‌های بی‌پایان است. موضوع دوم نیز نشان از خوش‌حسابی و عمل به تعهدات از سوی ایران بود و امکان تأمین مالی و اعتبار پروژه‌های بزرگ را فراهم می‌کرد. این آژانس‌ها تاخیرهای تا زمان تصویب قطع‌نامه سازمان ملل را مجاز می‌دانستند؛ اما تعزات‌های بعد از آن را نمی‌پذیرفتند. بانک مرکزی نیز درصدد تقسیط این بدهی‌ها بود. حال آنکه موردی ناشی از تقسیط بدهی‌ها در برابر هزینه فرصت‌هایی که از تک می‌رفت، بسیار اندک بود. واقعیت آن است که دولت برنامه عمل روشنی برای برداشتن این دو مانع در دستور کار خود نداشت؛ وگرنه مذاکرات هر دو بخش باید به صورت موازی با مذاکرات برجام صورت می‌گرفت تا در کوتاه‌ترین زمان مانع‌های استفاده از فرصت‌های اقتصادی و مالی جهان مرتفع می‌شد. آنچه اتفاق افتاد، ابتکارهای مودی برخی وزارتخانه‌ها در انتقاد برخی قرارداده‌ا و استفاده از فرصت‌ها مانند وزارتخانه‌های راه‌وشهرسازی، صمت و نفت بود.

ادامه از صفحه ۴

مهرشاد ایمانی:
محمدرضا عارف، یکی از شخصیت‌های برجسته جبهه اصلاحات، وقتی وارد انتخاب ریاست‌جمهوری سال ۹۲ شد، بسیاری بر این باور بودند او می‌تواند رئیس‌جمهور بالقوه جبهه اصلاحات باشد زیرا از یک‌سو ماهیتا اصلاح‌طلب محسوب می‌شد و می‌توانست بعد از حوادث سال ۸۸ دوباره جریان اصلاحات را به عالی‌ترین سطح عرصه سیاسی بازگرداند و از سوی دیگر، با وجه اعتدال‌گونه خود رافع سو-تفاهم‌های به‌وجودآمده باشد اما با حضور اکبر هاشمی‌رفسنجانی قاعده بازی تغییر کرد و برخی از اصلاح‌طلبان بر این‌س باور بودند با توجه به وزن سیاسی هاشمی او باید به عنوان کاندیدای نهایی جبهه اصلاحات تعیین شود که بار دصلاحیت هاشمی و کناره‌گیری عارف، حسن روحانی به نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان تبدیل شد و توانست سرمایه اجتماعی این جبهه را برای خود کند. عباس عیدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، به‌تازگی در گفت‌وگویی با خبرگزاری «فارس»، گفته است عارف بدون هماهنگی جامع با جریان اصلاحات وارد انتخابات شد؛ موضوعی که می‌تواند یک پیرشش مهم را مطرح کند که آیا عارف با تأیید ضمنی و در صریح رهبر اصلاحات و دیگر شخصیت‌های مطرح اصلاح‌طلب به میدان آمد یا آنکه عدم هماهنگی به معنای مخالفت ضمنی ایشان است؟ عیدی در گفت‌وگوی اخیرش اظهار کرده است: «آقای عارف در انتخابات ۹۲ خودش آمده بود و فکر می‌کرد می‌آید و اینها هم حمایت می‌کنند. هیچ‌کس به آقای عارف نگفته بود نامزد شود. البته حقتش بود که نامزد شود و هر کسی این حق را دارد، ولی اصلاح‌طلبان به کسی نگفته بودند بروند نامزد شود و از او حمایت کنند». عارف در پیام کناره‌گیری‌اش از انتخابات در سال ۹۲ چنین نوشته بود: «از آنجا که از ابتدای ورودم به عرصه انتخابات بارها بر موضع تمکین از اجماع با محوریت جناب آقای خامنی تأکید نمودهام و همچنین بر اساس منشور اخلاق انتخاباتی منتشرشده توسط اینجناب، خود را متعهد به رعایت اخلاق و انجام تعهداتم می‌دانم. لذا با عنایت به نظر صریح جناب آقای خاتمی و تجارب انتخابات دو دوره گذشته ریاست‌جمهوری، انصراف خود را از ادامه رقابت‌های انتخاباتی اعلام می‌دارم». در آن مقطع شورای مشاوران محمد خاتمی هم در توضیح حمایت اصلاح‌طلبان از حسن روحانی نوشتند: «با تشکیل کارگروه‌های ویژه و انجام گفت‌وگوهای فشرده با نامزدهای محترم و شخصیت‌های برجسته ملی به‌ویژه آقایان هاشمی‌رفسنجانی و سیدمحمد خاتمی و اجرای نظرسنجی علمی، در نهایت جناب آقای دکتر حسن روحانی به عنوان نامزدی که امکان جذب آرای بیشتری دارد مناسب تشخیص داده شد». در این بیانیه به کناره‌گیری عارف نیز اشاره شده بود: «ضمن سپاس فراوان از جناب آقای دکتر عارف که شجاعانه و پیدارانه در عرصه حضور داشتند و بی‌انگرس مواضع ارزنده اصلاح‌طلبان بودند و در این موقعیت حساس و به منظور جلوگیری از تفرقه و پراکندگی نیروها، اخلاق و مصلحت جمعی را بر همه چیز دیگر ترجیح می‌دهند، اعلام می‌نماید که نامزد واحد ما در عرصه انتخابات جناب آقای دکتر روحانی خواهد بود».

سیاست

صف‌کشی موافقان ومخالفان عارف



عسلی، رونقده رستنی

دیگر آنکه بخش مهمی از آرای آقای روحانی از سید رای آقای عارف گرفته شد؛ به این معنا که شخص عارف با پیشینه اصلاح‌طلبی خود مورد اقبال بسیاری از مردم قرار گرفت. اگرچه تردیدی نیست که آقای هاشمی هم رای خود را داشت؛ اما ایجاد موج اجتماعی مهرون حضور آقای عارف در انتخابات بود که در نهایت آن موج با ردصلاحیت آقای هاشمی و سپس کناره‌گیری آقای عارف به سود آقای روحانی تمام شد. حقیقت این است که آقای عارف نه‌تنها برای منافع خود در انتخابات شرکت نکرد؛ بلکه در حق جریان اصلاحات فداکاری کرد؛ زیرا در وهله نخست از اعتبار اصلاح‌طلبی دفاع کرد و باعث شد دوباره اصلاح‌طلبان در چرخه سیاست رسمی احیا شوند و در وهله دوم در شرایطی که تمام نیروهای کارگزاران از آقای هاشمی حمایت می‌کردند و کارگزاران سعی می‌کرد میدان‌دار انتخابات باشد، او جرئت کرد و وارد انتخابات شد؛ بنابراین اینکه گفته شود آقای عارف بدون هماهنگی اصلاح‌طلبان وارد انتخابات شد، صحیح نیست و اهمیت عمل مثبت آقای عارف را تقلیل می‌دهد. البته این نکته را فراموش نکنیم که اصلاح‌طلبان در مواجهه با آقای روحانی دچار خطای استراتژیک هم شدند؛ زیرا وقتی آقای عارف کنار کشید، می‌توانستند در یک ائتلاف واقعی تعیین کنند که در کابینه چه سهمی خواهند داشت. آقای روحانی هم بهتر بود که آقای عارف را به‌عنوان معاون‌اول خود منصوب می‌کرد تا وفق میان اصلاح‌طلبان و او باقی بماند؛ درصورتی‌که با انجام‌دادن چنین کاری از نخستین روز دولت یازدهم زمینه اختلافات با اصلاح‌طلبان را کلید زد».

عطریانفر:
اصلاح‌طلبان بیکارچه از روحانی حمایت کردند

محمد عطریانفر، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو حزب کارگزاران سازندگی، نظری مخالف اصغرزاده و ابطی و نزدیک به عیدی دارد. او معتقد است که در سال ۹۲ تنها گزینه اصلاح‌طلبان هاشمی‌رفسنجانی بود که بعد از ردصلاحیتش بدون هرگونه اختلافی اصلاح‌طلبان مناسب‌ترین گزینه را حسن روحانی دیدند. او در تشریح این موضوع به «شرق» گفت: «اصلاح‌طلبان در سال ۹۲ و با پایان ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد به دنبال نامزدی بودند تا بتواند اوضاع آشفته

هشت سال قبل را ترمیم کند؛ ازاین‌رو در آن مقطع کسی چنین قابلیتیی را نداشت؛ مگر آقای هاشمی‌رفسنجانی؛ به‌ویژه آنکه بعد از سال ۸۸ و مواضع صریح آقای هاشمی در نماز جمعه برای رفع سو-تفاهم‌های سیاسی، اصلاح‌طلبان او را نزدیک به خود می‌دیدند. از سال ۸۸ تا ۹۲ نیز مواضع نیروهای جبهه اصلاحات در قبال دولت وقت شبیه به نظرات آقای هاشمی بود. همه این دلایل باعث شد تا تنها گزینه اصلاح‌طلبان در سال ۹۲ آقای هاشمی باشد. در ابتدا او تمایل نداشت که وارد عرصه انتخابات شود و می‌گفت اگر شخص دیگری می‌تواند تأیید صلاحیت شود و اوضاع را ساماندهی کند، بیاید؛ اما اجماع اصلاح‌طلبان این بود که هیچ‌کس یارای ترمیم هشت سال مصائب احمدی‌نژاد را ندارد؛ جز آقای هاشمی؛ زیرا او علاوه بر آنکه از مؤسسان نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شد، یک شخصیت کلیدی و تعیین‌کننده در عرصه سیاسی بود و تجربه نشان داده بود که در بزنگاه‌های مهم بهترین تصمیم‌ها را اتخاذ می‌کرد. وقتی بحث حضور آقای هاشمی در انتخابات مطرح شد، نظرسنجی‌هایی صورت گرفت و براساس آنها مشخص شد که پیروزی قاطع از آن اوست و بالغ بر ۹۰ درصد شرکت‌کنندگان به آقای هاشمی رأی می‌دهند؛ ازاین‌رو افرادی که تمایل نداشتند او رئیس‌جمهور بشود، سعی کردند مانع حضورش در کارزار انتخابات بشوند. در ابتدا تلاش ایشان بر این بود که آقای هاشمی را قانع کنند تا از صحنه کنار برود و هنگامی که تصمیم قاطع او برای حضور در انتخابات را دیدند، از طریق ردصلاحیت مانع حضور و سپس پیروزی‌اش در انتخابات شدند. مخالفان هاشمی چنین تلقی می‌کردند که اگر مردم به او رای بدهند، به صورت ضمنی مواضعش را تأیید کرده‌اند و این اتفاق خوشایند آنها نبود. پس از ردصلاحیت اصلاح‌طلبان با مشورت آقای هاشمی به این نتیجه رسیدند که بیکارچه از آقای روحانی حمایت کنند. در چنین فضایی آقای عارف بنا به تشخیص خودش یا به توصیه دوستان و مشاورانش و با تکیه بر آنکه معاون‌اول دولت اصلاحات بوده است، تا روزهای آخر انتخابات کناره‌گیری نکرد. اصلاح‌طلبان معتقد بودند که اگر آقای عارف از صحنه کنار نرود؛ مانند انتخابات سال ۸۴ آرای جبهه اصلاحات شکسته می‌شود و در چنین فضایی یا رقیب یعنی اصولگرایان پیروز می‌شوند یا آنکه انتخابات به دور دوم می‌رود؛ ازاین‌رو در جلساتی از آقای عارف خواسته شد تا به نفع آقای روحانی کنار برود؛ به‌نحوی‌که در نهایت شخص آقای خاتمی این موضوع را از او خواست. آقای عارف هم براساس احترام به آقای خاتمی از انتخابات کناره گرفت. با ذکر چنین سابقه تاریخی می‌توانم بگویم که مجموعاً با نظر آقای عیدی موافقم». در نهایت با بحث‌های متفاوتی که شخصیت‌های اصلاح‌طلب مطرح می‌کنند، می‌توان برداشت که اکنون نیز مانند سال ۹۲ اجماع کاملی بر چگونگی رویکرد انتخاباتی میان نیروهای جبهه اصلاحات وجود ندارد؛ همان‌طور که از نظر تاریخی هنوز مشخص نیست که روحانی محصول وحدت نظر اصلاح‌طلبان بود یا نتیجه شرایط تحمیل‌شده به نیروهای اصلاحات.

اسلام فرمودند:
ادامه پیشروی‌ها را قطع کنید. مدتی بعد هم فرمودند ما در این جنگ یک لحظه هم از عملکرد خود پشیمان نیستیم. چه اتفاقی افتاده است؟ واقعیت این است که تغییر شرایط از شکست به پیروزی صورت‌مسئله و ماهیت پذیرش قطع‌نامه را تغییر داد».

سال ۸۵ نیز کشاکشی لفظی بین هاشمی و رضایی درباره پایان جنگ درگرفت. هاشمی در طعنه‌های نماز جمعه از اختلاف بین ارتش و سپاه گفت و علت‌کندی در روند جنگ بعد از سال ۶۱ را به فرماندهان نظامی نسبت داد. رضایی واکنش نشان داد. او از چیرگی فرماندهی سیاسی بر فرماندهی نظامی در جنگ انتقاد کرد و معتقد بود اگر هم کندی‌ای وجود داشته، به این علت بوده که سکان جنگ در دست سبایسیون بوده، نه نظامیون. در نهایت، هاشمی نامه‌ای از امام را برای نخستین‌بار منتشر کرد که در آن به درخواست‌های عجیب محسن رضایی برای پیروزی در جنگ اشاره شده بود؛ رضایی بعدها گفت: این نامه خطاب به هاشمی بوده، نه امام.
باین‌حال، مجموعه این کنش و واکنش‌ها کیهان را وارد ماجرا کرد. و رضایی و هاشمی را متهم به تشنج‌آفرینی کرد. شریعتمداری در سرمقاله‌ای نوشت: «هر دو بزرگوار، یعنی آقایان هاشمی‌رفسنجانی و محسن رضایی، در این جدال فراقلمی کرده و هر یک از آنها به‌عنوان مسئول نظامی و مسئول سیاسی جنگ، کوشیده‌اند علت پذیرش قطع‌نامه از جانب امام راحل (ره) را به اظهارنظر طرف مقابل نسبت دهند و صداآلبته هر دو فراقلمی کرده و فقط بخشی از واقعیت را که به نفع خوش! تشخیص می‌دادند، بیان کرده‌اند! و ازاین‌روی هر دو نفر – بر عرض پوزش– متهم به ابهام‌راکنی و تشنج‌آفرینی در افکار عمومی، آن‌هم در شرایط حساس کنونی هستند. باین‌حال، گویا کشاکش میان رضایی و روزنامه‌کیشان از نوعی خاص است: تاجایی‌که زمانی طاقت فرمانده را طاق کرده بود. محسن رضایی زمانی با شبکه المیادین مصاحبه کرده بود، ولی کیهان به آن مصاحبه هم واکنش تندی نشان داد. رضایی در پاسخ نوشت: «جناب‌عالی و بعضی از دوستانان قریب به ۱۵ سال، به‌ویژه در سال‌های اخیر، این‌جانب را با ده‌ها توهین و افترا همراهی کرده‌اید… مخصوصاً مجموعه بی‌حرمتی‌های اخیر و زنجیره‌ای شما درباره مصاحبه بنده با شبکه المیادین لبنان که از حد تحمل عبور کرده است».

خبر

باحضور جهانگیری مقرر شد

اعطای ۱۰ میلیون دلار ارز نیمايي به کارخانه چوب و کاغذ مازندران

● **ایرنا:** روز گذشته در جلسه بررسی مسائل و مشکلات کارخانه صنایع چوب و کاغذ مازندران با حضور معاون‌اول رئیس‌جمهوری مقرر شد بانک مرکزی با اولویت، به میزان ۱۰ میلیون دلار ارز مورد نیاز کارخانه چوب و کاغذ مازندران را با نرخ نیمايي تأمین کند تا بر اساس تعهد مدیران کارخانه، ظرفیت تولید تا یک ماه آینده به طور کامل فعال شود.
اسحاق جهانگیری با تأکید بر اینکه روند تأمین ارز و سرمایه در گردش این کارخانه باید تسریع شود، از بانک مرکزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی و استانداری مازندران خواست با جدیت برای حل مسائل این کارخانه وقت بگذارند تا در مدت یک ماه آینده شاهد فعال‌شدن ظرفیت کامل این واحد تولیدی و تأمین کاغذ مورد نیاز مطبوعات کشور باشیم.او با اشاره به گزارش وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره آخرین وضعیت تأمین کاغذ مورد نیاز مطبوعات، تأمین کاغذ را از مهم‌ترین نیازهای مطبوعات و نشریات کشور برشمرد و با تأکید بر حمایت دولت از مطبوعات کشور، خواستار حل مسائل کارخانه صنایع چوب و کاغذ مازندران شد. جهانگیری همچنین از وزارت صنعت، معدن و تجارت خواست برای حل مشکل تأمین سرمایه در گردش کارخانه صنایع چوب و کاغذ مازندران، این موضوع را در دستور کار قرار داده و تصمیمات لازم را در این خصوص اتخاذ کند.

وزیر اطلاعات خبرداد

پخش مستندی از شناسایی و دستگیری جاسوسان آمریکایی

● **ایسنا:** وزیر اطلاعات از پخش مستندی از شناسایی و دستگیری جاسوسان آمریکایی خبر داد.
حجت‌الاسلام علوی در حاشیه جلسه هیئت دولت گفت: در زمینه‌های زیادی جاسوسان آمریکایی و جاسوسان سرویس‌های بیگانه را در مراکز حساس مختلف شناسایی کردیم و آنان را پس از دستگیری به دستگاه قضا تحویل دادیم. او افزود: سربازان گمنام امام عصر (عج) همیشه در حال حماسه‌آفرینی هستند و مجاهدت خاموش آنان به کشف یک سلسله‌توطئه‌ها در زمینه‌های جاسوسی در حوزه‌های ضدتروریسم، ضد مفاسد اقتصادی و سایر زمینه‌ها منتهی می‌شود که بسیاری از آنها زمان گفتنش فرانسیده است، اما در زمینه ضربه به جاسوسان سیا زمانش فرارسیده است که امروز (دوشنبه) به استحضار مردم شهیدپرو و بزرگوار ایران اسلامی خواهیم رساند.

فرمانده هوافضای سپاه:

دروغ ترامپ آن‌قدر بزرگ بود که خودمان نیز اول باور کردیم

● **ایسنا:** فرمانده هوافضای سپاه اعلام کرد: دروغ بزرگی که ترامپ گفت، آن‌قدر بزرگ بود که خودمان نیز اول باور کردیم که توانسته‌اند یک پهپاد ما را ساقط کنند.سردار امیرعلی حاجی‌زاده افزود: پس از ادعای ترامپ درخصوص سرنگونی یک پهپاد ایرانی، یگان‌های مختلف را چندبار کنترل کردیم، زیرا موضوع برای ما باورپذیر نبود که دروغ به این بزرگی را خودش به صورت مستقیم در رسانه بیان کند. به همین علت چندساعتی در تکذیب خبر تأخیر داشتیم و در نهایت دیدیم که پهپاد بدون‌سرشنین ما فعالیت ناوگروه را قبل از تنگه هرمز و تا زمان خارج شدن از آن رصد کرده است.سردار حاجی‌زاده گفت: خود آنها نیز پس از مدتی تقصیر را گردن بولتون انداختند.

شهادت ۲ نفر از حافظان امنیت در مرز پاکستان

● **ایلسا:** در درگیری حافظان امنیت مرز در شهرستان سراوان با گروهک تروریستی در مرز پاکستان، دو نفر به شهادت رسیدند. بر اساس این گزارش، این درگیری شنبه‌شب رخ داد و پاسدار تکاور سیدمحسن نقیبي اهل کرمانشاه و عبدالخالق دراهزی از بسیجیان بومی به فیض شهادت نائل آمدند و پاسدار محمد نوری و پاسدار شمس‌الدین بودای هم زخمی شدند.

تصحیح

روز شنبه، مصاحبه‌ای با محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران، با عنوان «تئوری پنجره شکسته را بیشتر می‌پسندم» منتشر شد که اسم «علیرضا غریب‌دوست» به‌عنوان مصاحبه‌کننده، جا افتاده بود. به‌این‌وسيله تصحیح می‌شود.